

درآمدی بر نحوه شکل‌گیری نقوش در سنگ‌گورهای منطقه سفیدچاه

محمد اعظم زاده*^۱، دکتر حسنعلی پورمند^۲

^۱ دانشجوی دوره دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

^۲ استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۸/۴)

چکیده:

در بررسی مجموعه آثار سنگ نگاره‌های گورستان سفیدچاه، آنچه مشهود است. مفهوم اندیشیدن و دیدن واقعیت‌ها در جهان مادی و معنوی می‌باشد. به نظر می‌رسد علی‌رغم قدمت ظاهری گورستان که حدود هشتصدسال تعیین شده است، عمر نشانه‌های تصویری آن به گذشته‌های دورتری باز گردند. توجه به انواع نگرش آیینی، مذهبی و تأثیر از آداب و سنت‌ها، مشخص می‌سازد که منشأ طراحی نقوش مبتنی بر پیش اساطیر ایران باستان و نگرش‌های دینی پس از اسلام است و این عوامل بر شکل‌گیری آیین‌ها و اجرای سنن مردمی اثر نهاده و هنرمندان عامیانه، معادل تصویری آنها را در دست‌یافته‌ها، دست‌ساخته‌ها و به ویژه سنگ مزارها ترسیم نموده‌اند. در مقاله حاضر، در روند بررسی نحوه اندیشه عوام و مطالعه نمونه‌های متعدد نقوش بر سنگ گورها، مشخص می‌گردد که دیدگاه نقاشان عامیانه و کنکاش ناخودآگاه آنان نسبت به محیط، از حساسیت خاصی برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد شکل‌گیری انواع نقوش، متکی بر نیازها و طلب نعمت‌های دنیوی و اخروی بوده است. در این روند، آنان از تجارب گذشتگان و اساطیر ایرانی و مراسم آیینی اقوام ایرانی بهره‌مند شده‌اند و ضمناً ذهنیت خود را با برخی مفاهیم مانند آفرینش، نظام کیهانی و تسبیح خداوند و طلب روزی از او پیوند زده‌اند.

واژه‌های کلیدی:

نقشمايه، اندیشه، اعتقاد و باورها، اسطوره‌ها، نگرش دینی.

مقدمه

منطقه و ارائه معادل تصویری نقشمایه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. بهره‌گیری عوام نسبت به طبیعت و ماورای آن و استفاده از روایت‌های کهن اساطیری و مذهبی مورد توجه خواهد بود. همچنین بخشی از مقاله به شیوه طراحی و روش بازنمایی نقوش روی سنگ‌مزارها می‌پردازد تا شیوه‌گزینش هنرمندان عامیانه و انواع بازنمایی را مشخص سازد.

روش تحقیق نوشته پیش‌رو با استفاده از کتابخانه و بخش عمده گردآوری اطلاعات و تصاویر مورد استفاده، به صورت میدانی می‌باشد و روش بررسی توصیفی و تحلیلی است.

انواع نگرش در نقوش سنگ‌گورهای سفیدچاه

اعتقاد و باور انسان‌های هزاره‌های قبل به زندگی پس از مرگ، موجب گردید تا مراسم تدفین با آداب خاص همراه باشد و آنچه را که زندگان به آن نیاز دارند برای مردگان نیز فراهم سازند و به هنگام خاکسپاری، ظروف مخصوص آب و نوشیدنی‌های مقدس، غذا و دیگر متعلقات او را در کنارش بگذارند (ملک شه‌میزادی، ۱۳۷۵، ۱۳۴). این اعتقاد در ساکنین منطقه باستانی گوه‌رتپه به شهر به خوبی مشاهده می‌شود و همچنین در مناطق مختلف ایران تا قبل از نفوذ دین اسلام کم و بیش تداوم داشته است (تصویر ۲).

آیین تدفین در سده‌های اولیه دوران اسلامی با تغییرات چشمگیری همراه بوده است، مردگان را با آدابی نظیر آنچه امروزه کم و بیش ادامه دارد به خاک می‌سپردند و بنا بر اعتقاد و باورهای دینی، همه را در یک سطح از زمین قرار می‌دادند. اسلام با برافراشتن آرامگاه‌ها و برپا داشتن مراسم پرستش در آنها مخالفت می‌ورزید، اما به تدریج با تأثیرپذیری از آرامگاه‌ها و یادبودهای برجا مانده از دوره‌های پیشین، همراه با تحولی نو در معماری آنها، بناهای یادبود بسیار ساخته شد (گرابار، ۱۳۸۵، ۱۷).

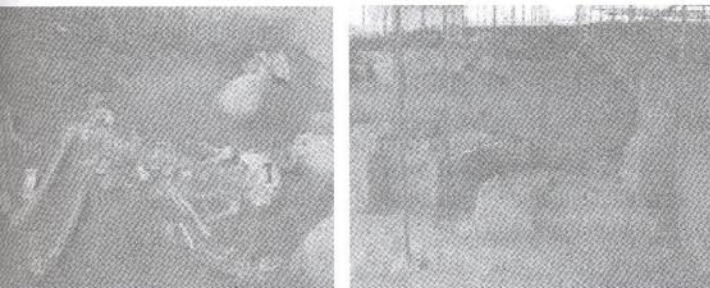
برپایی بنای یادبود برای افراد متوسط جامعه رایج نبود، از این رو

گورستان‌های قدیمی ایران، بیش از آن که مکانی برای تدفین مردگان باشند، بخش مهمی از اندیشه و زندگی زندگان را به خود مربوط می‌سازند. آثار برجامانده از سنگ‌گورها نشان می‌دهند که اقوام ایرانی چه تفکر و آیینی داشته‌اند و نسبت به واژه‌ها و مفاهیمی نظیر خوشبختی، مرگ و آفرینش چه دیدگاه و نظراتی پیش رو نهاده‌اند.

پژوهش حاضر در پی نحوه اندیشه و شکل‌گیری نقوش حک شده در یکی از گورستان‌های نسبتاً قدیمی واقع در کوهستان‌های شرق مازندران است، که همواره مورد توجه مردم شناسان و باستان‌شناسان بوده است. در روند بررسی، چگونگی نگرش فرهنگی و عقیدتی مردم

آشنایی با روستای سفیدچاه

روستای سفیدچاه در منطقه وسیع کوهستانی هزارجریب و در حدود ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی بهشهر (شرق مازندران) واقع شده است. این روستا دارای زمستانی سرد و پربرف و تابستانی معتدل و خنک است. "زبان ساکنین این منطقه، نژاد آریایی با تیره مازندرانی است" (ریاحی، ۱۳۷۵، ۱۰۴). فعالیت عمده مردم روستا، دامداری و کشاورزی و تولید دست‌باافته‌هایی نظیر گلیم، گلیمچه و جاجیم است. از دیگر مشخصه مهم روستای سفیدچاه که نام آن را پرآوازه ساخته و نظر مردم‌شناسان، و هنرمندان را به خود جلب نموده است، گورستان قدیمی و منحصر بفردی است که بر سنگ‌مزارهای آن، انواع نقوش عامیانه حک شده است (تصویر ۱). گورستان سفیدچاه محل دفن یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع)، با قدمت حدود هشتصد سال است که محل تجمع مردم روستاهای منطقه به مناسبت‌های مختلف بوده و به نوعی شفاخانه مؤمنین محسوب می‌شود. حاج اسماعیل ابراهیمی، یکی از ریش‌سفیدان محل و متولی امامزاده معتقد است: "قدمت قبرستان به وفات امامزاده و حتی قبل از آن باز می‌گردد و قدیمی‌ترین گورها، مربوط به سنگ‌مزارهای اطراف امامزاده است و در آن تصاویر مربوط به پیش از اسلام مشاهده می‌شود"^۱.



تصویر ۲ - بخشی از منطقه باستانی گوه‌رتپه، اطراف بهشهر، هزاره اول و دوم ق.م. (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱ - چشم‌اندازی از گورستان سفیدچاه و مقبره یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع). (مأخذ: نگارندگان)

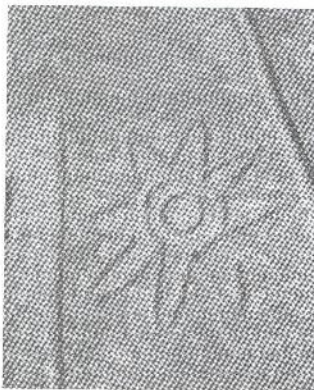
جدول ۱- انواع نگرش در نقوش سنگ گورهای سفیدچاه.

ردیف	نوع نگرش	نشانه های تصویری
۱	آیینی (ایران قبل از اسلام)	نقوش گیاهی، خورشید، طرح آفتاب تیره (دست و پا کمر)، موج درهم (چشم زخم)، گل نیلوفر و درخت سرو.
۲	مذهبی (پس از اسلام)	مهر، تسیح، محراب و سجاده.
۳	روزمره و مادی	شانه، ماکو، دقتین (شانه بافندگی)، ماسوره، کمان، اسلحه، شمشیر، چاقو و فیچی.

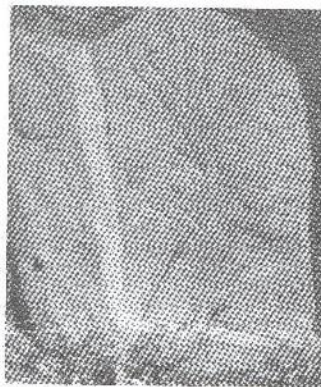
(ماخذ: نگارندگان)

بی ارتباط با مفهوم گیاه نیست. " جشن تیرماه سیزده (سیزده شو یا تیرگان)، در سیزدهم تیرماه گاه شماری مازندرانی یعنی ۱۲ آبان ماه تقویم جلالی برگزار می شود و احتمالاً می تواند جشن تیشتر، فرشته باران باشد به همین سبب در پاییز برگزار می شود که فصل باران است"^۲.

وجود نقشمایه "خورشید" در سنگ مزارها، نمونه دیگر از نگرش آیینی مردم، به ویژه در قرون گذشته است (تصویر ۴).



تصویر ۴ - طرح خورشید، گورستان روستای سفیدچاه، منطقه هزار جریب بهشهر. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۳ - طرح گیاه، گورستان روستای سفیدچاه، منطقه هزار جریب بهشهر. (ماخذ: نگارندگان)

نیاز به گرما برای کشاورزی و رشد گیاهان و اعتقاد به ستایش خورشید موجب گردید که هنرمندان عامه، معادل تصویری آن را ترسیم نمایند. شاید در این میان، نقشمایه گردونه مهر از زیبایی بیشتری برخوردار باشد.

خورشید یا الهه مهر (میترا) که پیش از زردشت جنبه خدایی داشته است، دارای مفاهیم اخلاقی است و با آیین و اعتقادات معنوی مردم مرتبط بوده است و در ایران باستان به عنوان کهن ترین نقشمایه یعنی گردونه مهر شناخته شده و معادل سواستیکا^۳ در هند و چلیپای شکسته است. چلیپای شکسته، نماد نیکبختی است (ایونس، ۱۳۸۱، ۱۱). شیوه طراحی چلیپای شکسته جنبه رمزگرایی دارد. علاوه بر طراحی نمادین، طراحی ساده خورشید بر روی برخی سنگ گورها با بیان طبیعت پردازی قابل مشاهده است (تصویر ۵).

بازماندگان متوفی سعی می کردند خلاصه ای از بهترین صفات فرد را با نقوش عامیانه بر قطعه سنگ ها حکاکی نمایند. قابل ذکر است که بیشتر سنگ گورها به شیوه نقاشی عامیانه و برخی فقط با خطوط هندسی ترسیم گشته و کمتر با خوشنویسی نوشته شده اند.

نمونه های فراوان یافت شده از اشکال عامیانه در سنگ نگاره ها، حکایت از اعتقاد و باورهای مردم دارد. بیشتر سنگ مزارها، اشکال اساطیری و نقوش مربوط به دوران اسلامی و انواع متنوعی از نقوش روزمره را نشان می دهند و در مجموع، می توان سه نوع طراحی با نگرش آیینی، مذهبی و روزمره را مشخص نمود (جدول ۱).

نحوه شکل گیری نقوش در سنگ گورها

با تعمق در نشانه های تصویری و عامیانه سنگ مزارهای این منطقه پی می بریم که فرهنگ مردمی و باورهای عامیانه آنها در شکل گیری تصاویر تأثیر بسزایی داشته است. تأکید نقاشان عامیانه همواره بر اندیشه جمعی عوام استوار است، این ویژگی از خصیصه هنر قومی محسوب می شود. در واقع "هنر قومی، بازتاب اندیشه های یک اجتماع است و از یک نیاز جمعی مایه می گیرد" (فیشر، ۱۳۷۰، ۱۹۱).

بدیهی است که شکل گیری نقوش علاوه بر باورهای جمعی، مبتنی بر آداب و سنت های رایج است که از گذشته های دور مرسوم بوده است. مانند طرح های گیاهی، که در نظر آنان بسیار مقدس می باشد.

به نظر می رسد منشأ شکل گیری نقشمایه های گیاهی به اعتقادات قبل از اسلام باز گردد. زمانی که اقوام مازندرانی آیین زردشتی داشته اند. بر اساس نگرش اساطیری در ایران باستان، گیاه، (هوم) روح و جسم را درمان می کند. "هوم که در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی گیاه، دشمنان را دور می سازد، درمان بخش است و سرور گیاهان به شمار می رود" (آموزگار، ۱۳۷۶، ۳۰). از این رو، انواع متنوع نقشمایه های گیاهی یا نگرش مشابه در سنگ مزار مشاهده می گردد (تصویر ۲). ناگفته نماند که گیاه در اساطیر اقوام مازندرانی یا فرشته باران و باران آوری پیوند دارد و احتمالاً مراسم جشن "تیرماه سیزده"

در باور ایرانیان به حساب آید (شیخ فرشی، ۱۳۸۲، ۲۳). همچنین "نماد کمال و تولد انسان است، زیرا بی‌هیچ آلودگی از آب‌های راکد مردابی بیرون می‌آید. گل نیلوفر آبی در دنیای شرق، وحدت قوای آب و آتش و ماه و خورشید است" (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۷۰).

توجه به آب که نشانه روشنایی و پاکی است در نقشمایه دیگری به نام "موج"، مشاهده می‌شود (تصویر ۹). مفهوم آب و نقش آفرینندگی آن نزد ایرانیان همواره مقدس بوده است و در اوستا به تقدس آن اشاره شده است و اهمیت آن کمتر از درخت سرو نیست. همچنین بین انواع نقشمایه‌ها، نقش سرو (ایستاده و خمیده)، از رایج‌ترین آرایه‌ها می‌باشد. درخت سرو، درخت همیشه سبز است. این نقشمایه در اغلب بناهای تاریخی و مذهبی مازندران دیده می‌شود (تصویر ۱۰). شاید ماهیت سرزندگی و جاودانگی آن موجب تقدس درخت سرو شده است. مطابق روایات ایرانی، زردشت این درخت را از بهشت آورد و در پیش در آنشکده کاشت ... انتساب صفت آزادگی به سرو، یادگار ارتباط آن با ناهید است که در اساطیر و افسانه‌ها، رمزی از آزادگی به شمار می‌رود (یاحقی، ۱۳۷۲، ۲۴۵).

ترسیم نقشمایه‌های دیگر بر سنگ گورهای سفیدچاه نظیر طرح سجاده، محراب، مهر، تسبیح و شانه حکایت از نگرش مذهبی مردم منطقه دارد و اعتقاد عوام به جهان آخرت را نشان می‌دهد و نماد پاکی، نور معنوی و ایمان در زمان حیاتشان می‌باشد (تصاویر ۱۲ و ۱۱).

در روند حکاکی نقوش روی سنگ نگاره‌ها، برخی نشانه‌های تصویری مربوط به زندگی روزمره قابل رؤیت است نظیر: انواع شانه، ماکو، ماسوره، قیچی، چاقو، تیرو کمان، اسلحه و شمشیر که با شغل افراد مرتبط می‌باشند. طراحی شانه، ماکو و ماسوره، معرف شغل زنان بافنده است. تصاویر قیچی و چاقو به ترتیب شغل زن آرایشگر و مرد قصاب را نشان می‌دهند (تصاویر ۱۴ و ۱۳). طرح تیر و کمان و اسلحه، مردان شکارگر را توصیف می‌کند و تصویر شمشیرحاکمی از شجاعت و جنگاوری است و به گفته مردم روستا، معرف حاکم یا خان منطقه است (تصویر ۱۵).



تصویر ۵- نقشمایه خورشید (گردونه مهر یا چلیپای شکسته)، حکاکی بر سنگ گور سفیدچاه. (ماخذ: نگارندگان).

از دیگر نمونه‌های تصویری، طرح "آفتاب تیره" است. بافندگان روستایی، این آرایه را "دست و پا کمر" می‌نامند (تصویر ۶). به اعتقاد یکی از ریش‌سفیدان^۳ محلی روستای سفیدچاه، "طرح آفتاب تیره، نشانه خیرخواهی و برکت است". به نظر می‌رسد ترسیم آن بر روی سنگ مزار، نشانه طلب نعمت شخص متوفی باشد البته مطلب فوق، فقط گزارشی است از آنچه که در تحقیقات میدانی منطقه ثبت شده است.

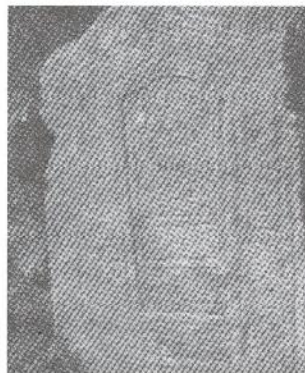
طراحی دیگر که در برخی سنگ مزارها مشاهده می‌شود، "موج درهم" نام دارد که شکل دایره‌ای متحدالمرکز پنج‌تایی را نشان می‌دهد (تصویر ۷). به اعتقاد مردم منطقه، ترسیم پنج دایره، نشانه پنج تن اهل بیت (ع) است. این نگرش و اعتقاد در تحقیقی دیگر، مربوط به دستبافته‌های سواد کوه مازندران گزارش شده است: "بنا به برخی گفته‌ها، طرح دایره متحدالمرکز پنج‌تایی، به این نیت است که پنج تن اهل بیت در دنیای دیگر به روح متوفی، توجه نشان می‌دهند و او را در پناه خویش از آفات مصون می‌دارند" (رستمی، ۱۳۸۶، ۷۹).

از جمله نقوشی که به وفور در گورستان سفیدچاه و دیگر گورستان‌های منطقه هزارگریب به شهر مشاهده می‌شود، لوتوس یا گل نیلوفر است که به شیوه هندسی طراحی شده و معمولاً دارای شش یا هفت گلبرگ است (تصویر ۸). این نقشمایه با نگرش آیینی ترسیم شده است.

در اساطیر ایرانی، نیلوفر نماد آناهیتا است. به طور کلی هر آنچه با آب در ارتباط باشد می‌تواند نمادی از آناهیتا ایزد بانوی آب



تصویر ۹- نقشمایه موج، حکاکی روی سنگ گور. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۸- طرح نیلوفر، روی سنگ گور. (ماخذ: نگارندگان)

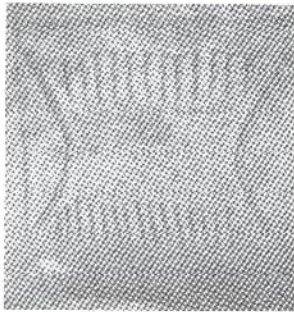


تصویر ۷- نقشمایه معروف به موج درهم، حکاکی روی سنگ گور. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۶- طرح آفتاب تیره (معروف به دست و پا کمر)، گورستان سفیدچاه. (ماخذ: نگارندگان)

در آمدی بر نحوه شکل گیری نقوش در سنگ گورهای منطقه سفید چاه



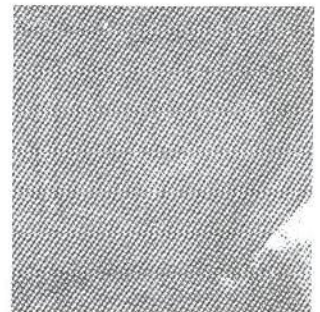
تصویر ۱۳ - شانه دو طرفه، نماد پاکی و نشانه زن. (ماخذ: نگارندگان)



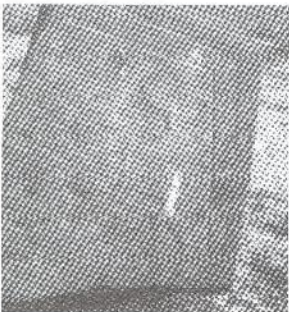
تصویر ۱۲ - نقشمایه مهر و محراب. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱ - طرح تسبیح که تداعی گر سجاده است. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۰ - نقشمایه سرو، حکاکی روی سنگ گور. (ماخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۵ - ابزارهای شکار، حکاکی روی سنگ گور. (ماخذ: نگارندگان)







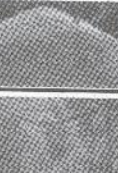
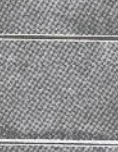








تصویر ۱۴ - طراحی قیچی که نشانه شغل زنان است. (ماخذ: نگارندگان)

بدیهی است که مبنای اندیشه مردم این منطقه، که معادل تصویری اغلب آنها در سنگ گورها حکاکی شده است، منعکس کننده دو نگرش مهم و اصلی یعنی اعتقاد به اساطیر ایران باستان و مفاهیم معنوی مذهب اسلام است. نگرش سوم مربوط به نقوش با مفاهیم عینی و روزمره است و تنها شغل اشخاص را مشخص می‌سازد (جدول ۲).

جدول ۲- انواع نقوش در سنگ گورهای روستای سفید چاه.

ردیف	انواع نقوش	نقش	مضمون
۱	خورشید (طرح قدیمی - سواستیکا)		اعتقاد به تکرر کهن دینی (این نقشمایه معادل سواستیکا و چلیپای شکسته است و نماد نیکبختی محسوب می‌شود).
۲	خورشید (طرح جدید)		نشانه اعتقاد به گرما و نور حیاتبخش.
۳	سرو		اعتقاد به عقاید پیشبینی و طلب نعمت‌ها، حیات و برکت.
۴	سرو خمیده		طلب نعمت‌ها و آفرینش طبیعت، گاه سرو خمیده، تجسمی از تواضع آدمی.
۵	بته جقه		نشانه ای از طراحی دوران اسلامی برگرفته از درخت سرو.
۶	گله		نشانه طلب باران است و خاصیت درمان بخشی دارد.
۷	گل نیلوفر (لوتوس)		تجسمی از آفرینش و تولد.

<p>نشانه آب، برکت و روستایی است، همچنین با مراسم باران‌خواهی پیوند دارد.</p>		<p>۸ موج</p>
<p>نشانه خیرخواهی و برکت.</p>		<p>۹ آفتاب تیره (روستاییان به آن طرح دست و پا کمر می‌نامند).</p>
<p>این نقش‌مایه همان دایره متحدالمرکز پنج‌تایی است که روستاییان معتقدند نشانه پنج تن اهل بیت (ع) می‌باشد تا روح متوفی را از هر گونه آفات مصون نگه می‌دارد...</p>		<p>۱۰ موج درهم (معروف به چشم زخم)</p>
<p>نماد کمال و تولد اتیان، همچنین با آب پیوند دارد.</p>		<p>۱۱ مهر</p>
<p>اعتقاد به معیوبت، ایمان و آرامش پس از مرگ.</p>		<p>۱۲ تسبیح</p>
<p>نشانه یابی و آراستگی (نشانه یک طرفه نشانه مردها است).</p>		<p>۱۳ محراب</p>
<p>نماد یابی و آراستگی (نشانه دو طرفه، نشان زن‌ها است).</p>		<p>۱۴ نشانه مردانه</p>
<p>ابزارهای بافندگی (که مربوط به شغل افراد می‌باشد).</p>		<p>۱۵ نشانه زنانه</p>
<p>ابزار بافندگی.</p>		<p>۱۶ ماکو</p>
<p>ابزار بافندگی یا ابزار آرایش.</p>		<p>۱۷ ملبوره</p>
<p>ابزار فصلی.</p>		<p>۱۸ قیچی</p>
<p>نشانه شکار.</p>		<p>۱۹ چاقو</p>
<p>نشانه شجاعت و خان و حاکم منطقه است.</p>		<p>۲۰ تیر و کمان و اسلحه</p>
<p>نشانه شجاعت و خان و حاکم منطقه است.</p>		<p>۲۱ شمیر</p>

انواع بازنمایی و شیوه طراحی

با نگاه به طرح‌های ترسیمی و نقوش پدید آمده، نیاز نقاشان عامیانه و اقتباس آنها از طبیعت و ماورای آن و مهم‌تر از همه، نوع بازنمایی و شیوه طراحی از محیط، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در مجموع، نقوش پدیدار شده در سه گروه کلی بازنمایی می‌شوند که عبارتند از:

۱- نقوش عینی به شیوه طبیعت‌پردازی.

۲- نقوش انتزاعی و چکیده‌نگاری^۵ شده.

۳- نقوش رمزی و نمادین.

در نقوش گروه اول، نگاه هنرمند، صرفاً طبیعت‌گرایانه است. نقاش سعی می‌کند حالت و حرکت عناصر موجود در طبیعت را تا حد امکان، طبیعی و نزدیک به واقعیت ارائه نماید. این کیفیت، خصیصه عموم هنرمندان عامیانه محسوب می‌شود.

نقوش گروه دوم با دریافت ذهنی ترسیم شده‌اند و شیوه طراحی آنها انتزاعی است. بازنمایی نقوش انتزاعی، خاص هنرمندان عامیانه این منطقه نیست بلکه این ویژگی، همواره ماهیت و جوهره اغلب هنرمندان خلاق در سراسر دنیا است. "همچنان که گواهی‌های باستان‌شناختی و انسان‌شناختی در طول تاریخ فراز هم آمده‌اند، پی‌برده‌ایم که مشخصه بنیانی آنچه مایه انسانیت ماست، یعنی توانایی مان بر دریافت شهودی از آغاز یا ما بوده است" (اسپور، ۱۳۸۳، ۵).

بنابراین "انتزاعی‌گری در هنر محصول نگرش انسان بر ابعاد پوشیده و پنهان در ظواهر طبیعت است" (رید، ۱۳۷۴، ۳۲). تصاویر ترسیمی در گروه مزبور، گزینش ظواهر طبیعی و تبدیل آن به چکیده‌نگاری است. در این روند، نقاش سنگ‌گورها، خواسته یا ناخواسته "سنت بازنمایی واقعیت مشهود و محسوس را کنار می‌گذارد و یا کم‌اهمیت می‌شمارد و ابداع واقعیتی تازه برای ادراک بصری را کار اساسی هنرمند می‌داند" (پاکباز، ۱۳۷۸، ۴۹) و انتزاع از دید این اقوام، فقط زبده‌گزینی از صور طبیعی را دنبال نمی‌کند بلکه نوعی ساختن (خلاقیت) را مطرح می‌سازد.

شیوه طراحی و روند بازنمایی نقش‌مایه‌ها در گروه سوم، به روش نمادگرایی است. این نشانه‌های انتزاعی "تبدیل کیفیت جنبشی و رویدادهای بصری به مؤلفه‌های بصری بنیادی، خود با تأکید بر روی پیام‌رسانی هر چه مستقیم و و مهیج و حتی بدوی از راه سمبل و رمز است" (داندیس، ۱۳۶۸، ۱۰۳).

اقوام کهن مازندران علاوه بر بازنمایی طبیعت، به ماورای آن هم نظر داشته‌اند و برخی نقوش را با نگرش بنیادی و محوری نگریسته، و از هر گونه عینیت‌پردازی پرهیز نموده‌اند. اشکال نمادین علاوه بر پیام اخلاقی، اغلب بر بنیاد دو شکل مثلث و دایره طراحی شده‌اند، و تأثیر باورها و اعتقادات متأثر از ایرانیان باستان و اندیشه جمعی عامه در نقوش، به شکلی خلاق سر برآورده و اصالت یافته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳- انواع بازنمایی و شیوه طراحی نقوش در سنگ‌گورهای سفیدچاه.

ردیف	نام نقوش	طبیعت‌پردازی	انتزاعی و چکیده‌نگاری	نمادپردازی
۱	تله		*	
۲	ماکو		*	
۳	مادسوره		*	
۴	خورتبند (سوادنیکا)		*	*
۵	خورتبند (طرح جدید)	*		*
۶	سرو	*		*
۷	بنه حقه			*
۸	سرو خمیده		*	*
۹	گیاه		*	*
۱۰	گل نرلوفر			*
۱۱	موج		*	*
۱۲	آفتاب نبره			*
۱۳	موج درهم			*
۱۴	مه‌ر			*
۱۵	نسیبج			*
۱۶	محراب			*
۱۷	نبروکمان	*		
۱۸	تمشیر	*		
۱۹	قیچی	*		
۲۰	چاقو	*		

نتیجه

فردی هنرمند. و همچنین تأثیر روایت‌های اساطیر کهن ایران باستان، غیرقابل انکار است.

- مجموعه نقشمایه‌ها که معادل تصویری مفاهیم فرهنگی و عقیدتی است، نشان می‌دهد که واژه‌هایی نظیر پاکی و آراستگی، آفرینش و حیات، برکت و فراوانی، از جمله مهم‌ترین گزینش نقاشان عامیانه بوده است.

- تصاویر در سنگ گورها، همواره نیاز مردم به آرامش و طلب نعمت‌ها در دو دنیای مادی و اخروی را نشان می‌دهد.

- در روند بازنمایی اشکال و آرایه‌ها، هنرمندان از سه نوع شیوه بیانی طبیعت‌پردازی، انتزاعی و نمادگرایی بهره برده‌اند و در این بین، مفاهیم انتزاعی و رمزپردازی، بیشتر شاخص و ممتاز بوده است و همواره نوعی ساختن (خلاقیت)، که فراتر از واقعیت محسوس است را مطرح می‌سازد.

نقاشی عامیانه، همواره انعکاس‌دهنده باورهای عمیق و در عین حال زندگی ساده مردم است. تصاویر به سادگی ترسیم می‌گردند و از قوانین رسمی هنر حرفه‌ای تبعیت نمی‌کنند، این روند در حکاکی سنگ‌نگاره‌های روستای سفیدچاه نیز صدق می‌کند. نشانه‌های تصویری موجود، نحوه تفکر مردم را انعکاس می‌دهند. از بررسی‌های به عمل آمده در این مقاله، موارد ذیل قابل توجه است:

- از آنجا که طراحی نقوش در سنگ مزارها، متأثر از دو بینش بنیادی جامعه اساطیری و نگرش دینی مردم به آیین اسلام است، اغلب طرح‌های پدید آمده، علاوه بر شیوه بیان ساده و عامیانه مبتنی بر نگرش آیینی و مذهبی است و نقوش روزمره، معمولاً جنبه توصیفی اشخاص را منتقل می‌سازند.

- در روند شکل‌گیری نقوش، بازتاب اندیشه جمعی اقوام، آیین‌ها و اعتقادات، نقش مؤثری داشته‌اند. نه خصلت‌های

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ وی که اخیراً دار فانی را وداع گفته است، خود و پدرانش را از گذشته‌های دور، متولی این روستا و امامزاده می‌داند. بنا به گفته او، در سال‌های اخیر، سنگ قبری با قدمت ۷۲۰ سال به نام جرجیس سفیدچاهی، هنگام حفر مجدد قبر یافت شده است.
- ۲ جهت مطالعه بیشتر، مراجعه شود به کتاب: بابل، شهر بهار نارنج، گردآوری گروه مؤلفان، صفحه ۲۷۷، انتشارات چشمه، بابل، ۱۳۷۷.
- ۳ سواستیکا یا صلیب شکسته، "از مظاهر قبل از آریایی در آسیای غربی بوده است و بعداً، آریاییان هند و ایرانی آن را به کار گرفتند" (پاکبان، ۱۳۸۷، ۳۴۲).
- ۴ علی محمد صیدانی سفیدچاهی، که به حکاکی سنگ گورها اشتغال دارد.
- ۵ گونه‌ای بازنمایی به روش ساده‌سازی اشکال طبیعی را گویند.

منابع:

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، تهران.
- اسپور، دنیس (۱۳۸۳)، انگیزه آفرینندگی، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، نشر نیلوفر، تهران.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۸۱)، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، تهران.
- پاکبان، رویین (۱۳۷۸)، دایره‌المعارف هنر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول، تهران.
- داندیس، دوانس (۱۳۶۸)، مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
- رستمی، مصطفی (۱۳۸۶)، دستیافته‌های سوادکوه، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- ریاحی، علی اصغر (۱۳۷۵)، سیمای جغرافیایی هزارگریب، انتشارات سرو، تهران.
- رید، هربرت (۱۳۷۴)، معنی هنر، ترجمه نجف دریابندی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- شیخ فرشی، فرهاد (۱۳۸۲)، آناهیتا در باورهای ایران باستان، انتشارات حروفیه، تهران.
- فیشر، ارنست (۱۳۷۰)، ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، ترجمه فیروز شیروانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کویر، جی‌سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، انتشارات فرشاد، تهران.
- گرایار، اوگ (۱۳۸۵)، اولین بناهای یادبود اسلامی، ترجمه محمد کرباسی، مجله اثر، شماره ۲۶، تهران.
- گروه مؤلفان (۱۳۷۹)، بابل شهر بهار نارنج، نشر چشمه، تهران.
- ملک شه‌میزادی، صادق (۱۳۷۵)، مبانی باستان‌شناسی، انتشارات مارلیک، تهران.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر، انتشارات سروش، تهران.